بامعلولین

در حاشیه ۷ مهر، روز پارالمپیک

در قاب زیبای چشمان او

نگین حسینی Neginh@email.com

شاید باورش برایت سخت باشد؛ باور اینکه لبخند یک کودک را ببینی و نخواهی که با تمام دنیا عوض اش کنی. می دانم باورش سخت است؛ در دنیایی که اگر بگویند چه آرزویی داری تا برآورده شود، خیلی ها پول و ثروت را آرزو می کنند، باورش سخت است که کسی پیدا شود و بگوید: آرزویم این است که روزی، همه بچه های نابینا، بینا شوند.

باورش سخت است. آرزوهای من هنوز ساده و کودکانه است؛ وقتی بچه بودم، باورم نمی شد که بزرگترها از هم پول قرض می گیرند، پیش خود فکر می کردم اینها که اینقدر با هم صمیمی اند، چرا باید پول را به هم برگردانند؟ در باور کودکانه ام نمی گنجید که چرا بزرگترها با هم معامله می کنند؟ چرا سند به نام آدم ها می شود؟ چرا سر «اسم» مالکیت، با هم می جنگند؟

من بزرگ شدم و تجربه هایم نیز بزرگ شد، اما باورم هنوز همان باور کودکانه بود.

زندگی در یک جامعه پرشتاب، سعی داشت به من یاد دهد که نباید سر ماجراها بایستم. همه چیز آنقدر تند می گذشت که فرصت ایستادن و نگاه کردن به حرکت سادهٔ یک رفتگر یا چاله های پیش پای یک فرد نابینا نبود. می شد مثل همهٔ آدمها از کنار همهٔ تصویرها، با بی تفاوتی گذشت. اما وقتی باور کودکانه ام به سراغم می آمد، باز روی اتفاق های ساده مکث می کردم و به فکر فرو می رفتم.

آن روزها، دنیا برایم رنگارنگ نبود. اما به مرور آدم های بزرگی سر راهم پیدا شدند و به من یاد دادند که زندگی، مثل ردیف زیبای یک بسته مداد رنگی است، رنگارنگ، از همه رنگ، بستگی دارد تو کدام رنگ را انتخاب کنی، و بستگی دارد که از کدام زاویه، به این بسته رنگی نگاه کنی.

زندگی پرشتاب بود اما سرعت اش، روح توجه موشکافانه را نتوانست از من بگیرد. در گذار تند ماشین ها و آدم ها، به لحظه های نابی رسیدم؛ شگرف و دوست داشتنی، که اگر نبود آن همه زیبایی و حیرت، می پژمردم و می مردم.

یکی از مکث های زندگی ام، بچه های معلول بود. اوایل زجر می کشیدم و عدالت آفرینش را زیر سوال می بردم. به مرور به بیهودگی واکنشم پی بردم، فهمیدم که این قضاوت ها هیچ دردی از معلولی دوا نمی کند؛ مثل دشنام دادن به باد است.

به مرور یاد گرفتم بجای آنکه یک معمای اسرارآمیز خلقت را لعن و نفرین کنم، باید کاری کنم؛ هر چند کوچک.

کم کم وارد جامعه معلولین شدم، آرام و بی شتاب. بی آنکه آرزوها یا هدف های بزرگی داشته باشم. هدف هایم کوچک و کوتاه بود؛ و گاهی با یک مقاله کوتاه یا عکس، برآورده می شد.

در این مسیر، سرنوشت مرا به پارالمپیک رساند.

آتن و دیدن مسابقات معلولین از نزدیک، یک جهش بود در زندگی ام، از منظر نگاهی که به معلولین داشتم. تا پیش از آتن «خیال» می کردم به باور توانایی معلولین رسیده ام، اما آنجا بود که فهمیدم هیچ نمی دانسته ام از قدرت شگرفی که دارند...

یادداشت های آتن، هر چند در مواردی اغراق آمیز نشان داد، اما باور قلبی ام بود. به معلولین و جانبازان عزیز جنگ عشق می ورزیدم و با همهٔ وجودم برای شان نوشتم. این تنها کاری بود که از من برمی آمد و کمترین کاری که کردم.

اتفاق بعد، برگزاری مراسم روز پارالمپیک بود؛ روز ورزش معلولان.

تصور اینکه ده هزار معلول بتوانند یکجا دور هم جمع شوند، آنقدر برایم سخت بود که اعتراف می کنم انجام این کار را باور نداشتم - به نظرم «شدنی» نبود. اما در این برهه هم آدم هایی پیدا شدند که به من یاد دادند از کار بزرگ، از رقم های بزرگ، از صفرهای زیاد جلوی عددها نباید بترسم، آنها جلو رفتند و من هم پشت سرشان رفتم. هنوز در ناباوری بودم؛ حتی تا آخرین لحظه های روز مراسم. اما جشن برگزار شد و آنچه که مرا شرمندهٔ خودم و پیش داوری هایم کرد، لبخند و شادی کودکانی بود که از حضور در ورزشگاه آزادی به وجد آمده بودند؛ نگاه شان آنقدر بانشاط و سرزنده بود که دلم می خواست چشم هاشان را قاب کنم و همیشه جلوی رویم بگذارم.

احساس خاص من در روز ۷ مهر، یکی از جهش های حسی ام در ارتباط با کار برای معلولین بود. حضور در این عرصه، به من فرصت های بی شماری برای ارتقاء فکری و رشد احساسی ام داد.

من از دنیای بزرگ بچه های معلول خیلی یاد گرفته ام؛ مهم ترین اش این که در هر شرایطی، می توان و باید امیدوار بود. می توان خندید و سختی ها را به رو نیاورد.

می توان روی ویلچر نشست و با همان نگاه عاشقانه، درخت ها و آدم ها و آسمان و زمین را نگاه کرد. همان نگاهی که در روز پارالمپیک، از چشمان معصوم کودکان معلول می تراوید. خیلی وقت است که فهمیده ام نه ویلچر، مشکل یک معلول است و نه نابینایی مشکل یک نابینا. مشکل یک معلول، «من» هستم، و «تو»، که نگاه ما به آنها، نگاه غیرواقع گرایانه‌ای است که بیش از معلولیت رنج شان می دهد. فهمیدم که آنها با معلولیت کنار آمده اند اما با نگاه من و تو هنوز نه. اینکه کسی باورشان نداشت، و اینکه دست کم گرفته می شدند، تحقیر می شدند، به حساب نمی آمدند، مورد ترحم قرار می گرفتند، همهٔ اینها بود که بیش از موضوع معلولیت، رنج شان می داد.

بیشترین آموخته هایم از معلولین در حوزهٔ ورزش آنهاست، شاید به دلیل روح رقابتی که در این میدان هست؛ و هر بیننده‌ای را میخکوب تلاش و اراده عجیب شان می کند. ورزش معلولین در دنیایی که به سوی راحت تر شدن زندگی عادی و از کار انداختن سالم ترین اندام آدم ها پیش می رود، دریچهٔ تازه‌ای بود تا پی ببرم که با نقص عضو هم می شود به هدف رسید، اما با تلاش و ارادهٔ بیشتر.

هر بار که به یک ورزشکار نقص عضوی نگاه کردم، به این فکر فرو رفتم که چگونه است نقص یک عضو اینهمه به چشم آدمها می آید و فقط زشتی متبلور می شود اما نقص روح و اخلاق، هیچ حیرتی را در ذهن ما ایجاد نمی کند؟

چگونه است دستی که انگشت ندارد، چهره ها را درهم می کند اما زبانی که به کنایه زدن به دوست و غیردوست باز می شود یا به دروغ و تهمت خو گرفته است، زشتی ونقص به حساب نمی آید؟

من به دنیای عجیب معلولین بیش از اندازه مدیونم. کمترین دریافتی ام از این جهان پر رمز و راز، تفکر بیشتر و تاءمل عمیق تر در ماجراهای زندگی بوده است. «ماجرا» نه آنکه خیال کنی منظورم اتفاق های خاصی باشد؛ نه. آنقدر ساده مثل نگاه معصوم کودکی در روز پارالمپیک که به چشمان مهربان پدرش می خندید. یا ردیف منظم پسرهای نابینا که دست روی شانه هم گذاشته بودند تا راه را با هم، درست طی کنند. این تصاویر، قاب های قشنگی از یک احساس متعالی در من می سازد که با هیچ حسی عوض اش نمی کنم. برای همین است که می گویم شاید باور نکنی یکی از آرزوهای زندگی ام این است که...

تصاویری از روز پارالمپیک
عکس ها: سجاد صفری ـ خبرگزاری مهر

نقش خانواده در رشد و پرورش کودک استثنایی/ بخش پایانی

والدین افراطی در حمایت از کودک استثنایی

■ روح الله حاج علیزاده

افراط در حمایت از کودکی استثنایی در اصل به نگرانی شدید والدین او نسبت به کودک گفته می شود. از لحظه‌ای که معلولیت کودک خود را نشان می دهد، نگرانی والدین شروع شده و پایانی ندارد. این والدین در زندگی دست به تلاش ها و فعالیت های سخت و طاقت فرسا می زنند و از انجام کارهای غیر ضروری برای کودک خود باز نمی مانند وکارهایی را برای کودک خود انجام می دهند که نباید. خلاصه آنچه را که کودک در توان دارد آنها به جای او انجام می دهند و همین سبب می شود نتایج فجیعی به بار آید. کودک رشد می کند اما آنگونه که باید مهارت کسب نمی کند وبا خود عاریتی (قرض گرفته شده از والدین) زندگی می کند و همواره از توانایی هایش بی خبر می ماند و حتی از مهارت های اولیه اجتماعی هم برخوردار نخواهد شد و والدین به جای او کار انجام می دهند.

در مورد این والدین باید از مشاوره و کمک های تخصصی بهره جست.

والدین طرد کننده

بسیاری از والدین حتی نمی توانند در نظرشان مجسم کنند که مادری یا پدری به راستی از بچه اش متنفر است. آنها حتی نمی توانند باور کنند که بتوان به طرد یک کودک معلول اندیشید.

تعداد قابل توجهی ازوالدین کودکان استثنایی، عشق و محبت لازم به کودکان را به آنها نمی دهند و می کوشند که او را طرد کنند یا نسبت به او بی علاقگی نشان می دهند و از کودک کناره گیری می کنند.

کودک معلول طرد شده علیرغم معلولیت، پیام های منفی و غیرطبیعی از والدین خود دریافت می کند. آرزوی این قبیل والدین این است که هر چه زودتر خودشان را از انجام وظایف ناخوشایند روزانه مربوط به کودک خلاص کنند. آنان پیام های ناسالم و بدی را به کودک خود ارسال می کنند. توالت رفتن را با شتاب و عجله آموزش می دهند و مسئولیت هایی را بر این کودکان تحمیل می کنند که آنها آمادگی عهده دار شدن شان را ندارند.

این والدین اگر بخواهند با کودکان شان به خوشبختی هر چند کمی دست یابند، باید از کمک های تخصصی بهره مند شوند.

والدینی که بیش از حد وظیفه شناس هستند

گروهی دیگر از والدین کودکان استثنایی بیش از حد به کودک خود توجه نشان می دهند. آنها مصمم هستند که کودک شان شاد باشد، حتی اگر این شادی آنها را بکشد! این والدین می کوشند کمبودها و احتیاجات کودک را جبران کنند، حتی اگر در این کار خودشان ناامید و فرسوده شوند.

این والدین لازم است بدانند که خوشبختی به بهترین شکل، یک هدف غیرواقعی است. خوشبختی در خود خوشبختی خلاصه نمی شود. خوشبختی در کار کردن، بازی کردن، عشق ورزیدن و زندگی کردن حاصل می شود و زندگی به طور ضروری مستلزم تاخیری بین میل و ارضای میل، و بین برنامه و اجرای برنامه است. به عبارت دیگر، زندگی مستلزم ناامیدی و تحمل ناامیدی است. وقتی کودک دچار معلولیت می شود، پدر و مادر لازم نیست خود را افسرده سازند بلکه این کودکان به یک مدیریت عاقلانه نیاز دارند که این مدیریت با فدا شدن والدین به دست نمی آید. کودک معلول با مدیریت سالم و همدردی منطقی نیرو می گیرد و آسایش خاطر می یابد.

خانواده کودک استثنایی نیاز دارد که علاوه بر مقابله با مشکلات روزمره، به همیاری کودک اش نیز بپردازد و نیازهای جسمی و روحی او را برآورده سازد اما باید به گونه ای به این وظایف پرداخته شود که موقعیت خانواده با انسجام و امنیت همراه باشد.

وجود کودک استثنایی در خانه به دلیل وضعیت خاص او، پیامدهای قابل توجهی در نحوه عملکرد سیستم خانواده خواهد داشت.

ارتباطات عاطفی مناسب بین والدین و کودکان، سر و سامان دادن به وضعیت خانواده، خانواده درمانی، یاری جستن از نیروهای متعهد و متخصص همه و همه تاثیر مثبت و خوبی بر سیستم خانواده و عملکرد آن خواهد داشت.

شعری از جبران خلیل جبران

بندهایی بر تو نمی گذارم و بندهایی از تو نمی پذیرم.
بگذارید در همان حال که با هم هستید، اندکی از هم جدا باشید.
بگذارید بادهای بهشتی در بین شما به رقص در آیند.
یکدیگر را دوست بدارید اما از عشق قید و بندی نسازید.
بگذارید عشق چون دریایی در میان کرانه های روح شما در حرکت باشد.
جام یکدیگر را پر کنید اما از یک جام ننوشید.
از نان خود به یکدیگر بدهید اما از یک قرص نان مخورید.
با یکدیگر بخوانید و پایکوبی و شادمانی کنید
اما گاه بگذارید هر یک از شما تنها باشد.
همچون تارهای عود که از یکدیگر جدایند.
اما در نواختن یک آهنگ
با هم به ارتعاش در می آیند.

روز پارالمپیک، حرکت برای توسعه ورزش معلولان

بازیهای پارالمپیک و المپیک، سمبلی از عشق، محبت و دوستی را در بین ملل و اقوام یادآوری می کند. سالیان درازی است که هر چهار سال یکبار، مردان و زنان ورزشکار و قهرمان از کشورهای مختلف دنیا در نقطه‌ای از این زمین پهناور گردهم می آیند و با رقابتی سالم، تلاش می کنند تا همراه با شناخت قوی ترین ها ازمیان خود، دوستی ها را نیز استوار و محکم تر سازند. در کنار افراد عادی، بازی های پارالمپیک نیز به محلی برای نمایش توانمندی های افراد دارای ناتوانی و معلولیت تبدیل شده است. انتظار می رود در بازی های المپیک آینده، این دو رخداد مهم که اینک با فاصله‌ای اندک از هم برگزار می شوند، در کنار هم و همزمان برگزار شود تا فرقی بین شهروندان عادی و معلول در جامعه جهانی بواسطه ناتوانی وجود نداشته باشد.

سال ۲۰۰۵ از سوی سازمان ملل متحد به عنوان سال «ورزش، صلح و توسعه» نامیده شده است، برای پیشبرد و ارتقاء آموزش، سلامت و توسعه صلح در کشورهای جهان از مسیر ورزش گام برداشته شود. توسعه ورزش در یک جامعه می تواند دستیابی به جامعه سالم را امکان پذیر سازد. آنچه در این توسعه اهمیت دارد، ایجاد زیرساخت ها و دسترس پذیری محیط ها و امکانات ورزشی برای عموم شهروندان است. توسعه ورزش همگانی به عنوان راهبرد بنیادین کشورها برای رسیدن به جامعه سالم باید مورد نظر قرار گیرد. در این میان توسعه ورزش همگانی نمی تواند به ورزش برای افراد عادی در جامعه محدود شود، بلکه باید اقشاری که به نوعی از ناتوانی یا معلولیت دچار هستند نیز در برنامه ریزی ها در نظر گرفته شوند. در چنین موقعیتی خواهد بود که رسیدن به شعار «یک جامعه برای همه» دور از دسترس نخواهد بود.

خوشبختانه با تأسیس کمیته ملی پارالمپیک جمهوری اسلامی ایران، گامی بلند برای بسترسازی توسعه ورزش همگانی در بین شهروندان دارای ناتوانی برداشته شده است. این کمیته که سرپرستی، اداره و هماهنگی امور مربوط به شرکت قهرمانان جانباز و معلول ایرانی را در بازی های تابستانی و زمستانی پارالمپیک منطقه‌ای، بین المللی و قاره‌ای زیر نظر کمیته بین المللی پارالمپیک برعهده دارد، نیاز به توسعه و گسترش ورزش همگانی در بین افراد دارای ناتوانی را به شدت احساس نموده است. برنامه های مختلفی نیز برای رسیدن به این امر انجام و یا در دست اقدام است تا آگاهی جامعه را نسبت به توانمندی مسئولان افزایش دهد و نگرش منفی موجود نسبت به این عزیزان را تغییر دهد. برنامه ابداعی «روز پارالمپیک» از جمله این برنامه هاست.

«روز پارالمپیک» در واقع ایده‌ای ایرانی است. آنچه در روز هفتم مهر ماه جاری در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی شاهد بودیم، برنامه‌ای است که برای سومین سال پیاپی و در ابعادی به مراتب وسیع تر از ۲ سال گذشته برگزار شد. حضور آقای ساگارا، معاون رئیس کمیته بین المللی پارالمپیک نشانه اهمیت ویژه‌ای آن کمیته برای این اقدام است. اینکه آقای کریون، رئیس کمیته بین المللی پارالمپیک در پیام خود، آرزوی حضور در این مراسم را می کند و برای عمومیت بخشیدن به این حرکت قول اقدام می دهد، حاکی از موفقیت این حرکت است. آقای ساگارا به اینجانب می گفت: «بشدت تحت تاءثیر حضور فعال کودکان و نوجوانان معلول قرار گرفته‌ام و قادر به بیان احساسات خود نیستم.»

برگزاری «روز پارالمپیک» امسال بر خلاف دو سال گذشته با یک جهش بلند، علاوه بر تهران در بیش از ۱۳استان کشور نیز به انجام رسید. دهها هزار نفر دختر و پسر دارای ناتوانی به همراه مربیان و خانواده‌ای خود، روزی به یاد ماندنی و سرشار از شور، نشاط و سرور را طی نمودند که خاطره‌ای جاودان در اذهان آنان برای سالها باقی خواهد ماند. این شور و اشتیاق، نوید آینده‌ای بهتر برای ورزش معلولان را می دهد و به درستی باید از بین این خیل عظیم به شناسایی استعدادهایی که می توانند برای تیم های ورزشی ما در بازی های پارالمپیک و... حاضر شوند، اقدام نمود. برای رسیدن به چنین جمعی، باید از هم اکنون با فراهم کردن بسترهای مناسب در مدارس، مراکز مختلف و نیز امکان استفاده نوجوانان دارای ناتوانی از امکانات ورزشی افراد عادی تلاش کرد.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور ما در اختیار داشتن بیش از ۸۰هزار دانش آموز استثنایی، باید به عنوان تغذیه کننده تیم های ورزشی معلولان، سرمایه گذاری مناسبی در امر توسعه ورزش دانش آموزان انجام دهد. نشانه های مثبت در این زمینه را در طول چند سال اخیر در این سازمان می توان مشاهده کرد. متاءسفانه، سازمان بهزیستی کشور، در این میدان هم جا مانده است و نیاز به تحرکی اساسی در برنامه های ورزش این سازمان بویژه در زمینه توسعه ورزش همگانی در بین معلولان، به خوبی احساس می شود.

در هر صورت سازمان بهزیستی، ارائه دهنده خدمات مختلف به بیش از ۵۰۰هزار معلول در کشور شناخته می شود. چنانچه خدمات و بسترهای مناسب ورزشی را برای حداقل ۱۰درصد آنان فراهم نماید، می توان امیدوار بود که ظرفیت ورزشی معلولان در کشور به شدت افزایش خواهد یافت.

در نهایت، روز پارالمپیک باشکوه ویژه‌ای برگزار شد. دهها هزار کودک و نوجوان دارای ناتوانی به همراه هزاران دانش آموز عادی، سرود توانمندی سر دادند و با صدای بلند بیان کردند که اگر مورد توجه قرار گیرند، شعار «توانستن» را به خوبی «عمل» خواهند کرد.

www.mkamali.com

INDIA @ YOUR DOORSTEP
India based Manufacturer & Exporters of:
■ Moulds for Paint Pails, Thin Wall Containers, Etc.
■ Confectionery Plants & Turnkey Projects for Hard Boil Candy, Toffee, Ball Lollipop & Ice Cream.
■ Flavours for Confectionery Industries.
AHIMSA INDUSTRIES PVT. LTD.
Fax: (91-79) 2658 5103 Mobile: ++91-98250 10650 (India)
E-mail: info@ahimsaind.com / ahimsaindustries@yahoo.com
Website: www.ahimsind.com
ISO 9001
5th TEHRAN INTERNATIONAL TRADE FAIR
From 2nd to 6th Oct., 2005

آگهی تاسیس شرکت توسعه صنایع انرژی زاگرس سهامی خاص

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت که در تاریخ ۸۴/۴/۴ تحت شماره ۲۴۹۲۱۶ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۸۴/۴/۴ از لحاظ امضا ذیل تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می گردد.

۱-موضوع شرکت: ارائه خدمات مشاوره‌ای به پروژه‌های صنعتی انجام عملیات نظارت و راه اندازی پروژه‌های صنعتی تهیه و تامین تجهیزات مورد نیاز صنایع از منابع داخل و خارج از کشور و صادرات و واردات کالا و تجهیزات صنعتی و بازاریابی آنها ارائه خدمات نگهداری و پشتیبانی بر صنایع و شرکتهای داخلی و خارجی ارائه خدمات آموزشی طراحی و مهندسی به صنایع انجام کلیه فعالیتهای صنعتی و بازرگانی تخصصی و سرمایه گذاری و مشارکت در شرکتهای مشابه داخلی و خارجی از طریق تاسیس تعهد یا خرید سهام شرکت و انجام عملیات معاملات مالی و تجاری و صنعتی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به هر یک از موضوعات مشروحه و اهداف شرکت مربوط باشد. انتقال تکنولوژی و فن آوری تجهیزات مختلف موضوع فوق اخذ وام قرض الحسنه و سایر تسهیلات اعتباری از منابع بانکی و دیگر منابع اعتباری اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر تودیع وجوه به حساب سپرده بلند مدت و کوتاه مدت در بانکها.

۲-مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.

۳- مرکز اصلی شرکت: تهران - خ شریعتی - بالاتر از ظفر - ک علیپور مشکانی - پ ۱/۴۸- واحد ٤

٤- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی بانام که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ۳۵/۸۰۳/٤۲٤ مورخه ۸۲/۳/۳۱ بانک تجارت شعبه شریعتی ظفر پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.

۵- اولین مدیران شرکت: آقای حمید درویشی به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و محمدرسول پورقاسم به سمت نایب رئیس هیئت دیره و آقای سیدعباس محسنی به سمت رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند.

٦- دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و بروات با امضای هر سه نفر مدیران همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

۷- اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه.

۸- بازرس اصلی و علی البدل: آقای رضا غریب ناصری به سمت بازرس اصلی و خانم فاطمه باقری محمدی پور به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند.

۳۲/۱٦۰۹۰ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری**

آگهی مفقودی

پروانه وکالت اینجانب هاشم پیمان وکیل و مشاور حقوقی قوه قضاییه به شماره ۱۸۷/۲٤۰۵ ر م پ صادره سال ۱۳۸۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت معافیت ازخدمت نظام وظیفه به نام اینجانب عباس قمری فرزند نبی‌الله به شماره شناسنامه ۱٤۸۵۰ وبه کلاسه پرونده ۳۱۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

اصلاحیه

پیرو چاپ آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت سیمان سپاهان مندرج در صفحه سه این روزنامه در روز پنجشنبه مورخ ۸٤/۷/۷، بدینوسیله شماره ثبت شرکت به شماره ((٤۷٦۱)) اصلاح می‌گردد.

آگهی تصمیمات شرکت کارخانجات تولیدی تبد (سهامی‌خاص) به شماره ثبت ٤۵۹

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۸٤/۳/۱٦ تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید:

۱- ترازنامه صورت سود و زیان سال مالی منتهی به تاریخ ۸۳/۱۲/۳۰ به تصویب رسید.

۲- سازمان حسابرسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازرس قانونی شرکت برای مدت یک سال انتخاب شد.

۳- روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

میرسلیمانی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی تاسیس شرکت بین‌المللی صنعت سیمان لیان سهامی خاص

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت سهامی خاص که در تاریخ ۸٤/۳/۳۱ تحت شماره ۲٤۸۸۹۷ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۸٤/۳/۳۱ از لحاظ امضاء ذیل تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.

۱- موضوع شرکت: احداث کارخانه تولید انواع سیمان واردات و صادرات خرید و فروش ماشین آلات و تجهیزات و قطعات یدکی و مواد اولیه صنعت سیمان همچنین واردات و صادرات خرید و فروش مواد اولیه و ماشین آلات و تجهیزات معدنی و اکتشاف و استخراج و بهره برداری از معادن مربوطه فروش و صادرات محصولات تولیدی مشارکت و سرمایه‌گذاری با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی شرکت در مناقصه‌ها و مزایده‌های داخلی و خارجی اعم از بخش دولتی و خصوصی اخذ و اعطای نمایندگی از و به اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی واردات و صادرات کالاهای مجاز و اخذ تسهیلات ریالی و ارزی از بانکها و موسسات اعتباری داخلی و خارجی و هرگونه فعالیت مجاز دیگری که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به موضوع شرکت مرتبط بوده و یا جهت اجرای آن ضرورت داشته و نافذ باشد.

۲- مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.

۳- مرکز اصلی شرکت: تهران - خیابان آفریقا - خیابان ارمغان شرقی - پلاک ۵

٤- سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی بانام که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ٦۳۹۳ مورخه ۸٤/۳/۲٤ بانک سپه شعبه مرکزی پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.

۵- اولین مدیران شرکت: شرکت سرمایه گذاری ری با نمایندگی آقای علی رحیمی به سمت رئیس هیئت مدیره شرکت امید ری با نمایندگی آقای عبدالمجید وکیل به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و شرکت راه گشابار با نمایندگی آقای فضل‌الله جمالو به سمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

٦- دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی به امضای مدیر عامل به اتفاق یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی به امضای مدیر عامل و مهر شرکت معتبر است.

۷- اختیارات مدیر عامل: طبق مفاد اساسنامه.

۸- بازرس اصلی و علی‌البدل: شرکت خدمات مشاوره‌ای مالی و مدیریتی مبین ری (سهامی خاص) به سمت بازرس اصلی و آقای سعید حاتم تهرانی به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یک سال انتخاب شدند.

۳۲/۱۵۲۵۹ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری**

آگهی مجمع عمومی سالیانه نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان زواره

به اطلاع کلیه اعضا می‌رساند جلسه روز چهارشنبه موخ ۸٤/۷/۲۷ ساعت ۱٦در محل سالن دکتر علی شریعتی تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:

۱- گزارش هیئت مدیره و بازرسان
۲- تصویب ترازنامه مالی و نحوه تقسیم سود سال ۸۳
۳- انتخاب بازرسان
٤- تغییر درج آگهی از روزنامه اطلاعات به روزنامه‌های رسمی کشور

شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان زواره

نظر به اینکه در پرونده کلاسه $\frac{٦}{۸٤}$۲۷٤ دادیاری آقای بهروز خوانساری متهم به خیانت درامانت در خصوص یک فقره چک به شماره ۱۳۹٤٦۳ بانک کشاورزی اندیمشک در حق آقای سید مرتضی موسوی می‌باشد و به لحاظ مجهول‌المکان بودن ابلاغ احضاریه به وی و ممکن نگردید، لذا با انتشار این آگهی برای یک نوبت در روزنامه نامبرده احضار تا در وقت رسیدگی روز سه‌شنبه مورخ ۸٤/۸/۳ ساعت ۹ صبح در این دادیاری حاضر شده و از اتهام منتسبه فوق‌الذکر از خود دفاع نماید. در صورت عدم حضور متهم یا عدم اعلام عذر موجه دادگاه تصمیم متناسب اتخاذ می‌نماید.

دادیار شعبه ششم دادسرای عمومی انقلاب اندیمشک
غیاثوند

آگهی تصمیمات شرکت مهندسی انرشیمی سهامی خاص ثبت شده به شماره ۳۷۲۲۶

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸٤/۳/۱٦ شرکت مزبور که در تاریخ ۸٤/٤/۱۸ واصل گردید: آقای عبدالحسین قویفکر به سمت بازرس اصلی و آقای مهدی آهنگ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید. اعضاء هیات مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقایان منوچهر پارسا. محمود نژاد ملایری، عباس - فریبرز مزارعی، هدایت‌الله هدایتی، شهیار جلالی دولتشاهی. به موجب صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۸٤/۳/۲۱ آقایان منوچهر پارسا به سمت رئیس هیات مدیره و عباس - فریبرز مزارعی به سمت نایب رئیس هیات مدیره و قائم مقام مدیر عامل و محمودنژاد ملایری به سمت مدیر عامل و شهیار جلالی دولتشاهی به سمت منشی هیئت مدیره تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته و سایر اوراق تجارتی با امضای مدیر عامل و یک نفر دیگر از اعضای هیئت مدیره از جمله قائم مقام مدیر عامل و یا قائم مقام مدیر عامل و یک نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

۳۲/۲۲۳٦۵ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری**

وزارت نیرو
شرکت آب و فاضلاب استان یزد
(سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی

شرکت آب و فاضلاب استان یزد در نظر دارد میزان ۳۰۰۰ متر لوله آزبست سایز ۳۵۰ میلیمتر همراه با مانشون و لاستیک متعلقه از نوع کلاسcpn را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.

تولیدکنندگان می‌توانند با مراجعه به امور قراردادهای این شرکت واقع در یزد- خیابان آیت الله کاشانی و یا پایگاه اینترنتی www.abfayazd.com و یا ارسال درخواست خود از طریق شماره دورنگار ٦۲٤۱۰٤۱-۰۳۵۱ اسناد مناقصه را دریافت نمایند. آخرین مهلت خرید و تحویل اسناد مناقصه ده روز پس از انتشار آگهی در روزنامه می‌باشد. تلفن تماس ۵-٦۲٤۲۰۲۱ داخلی ۲۸٤

شرکت آب و فاضلاب استان یزد (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت داروپوش (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۷۵۵۰ تهران

از کلیه سهامداران دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت داروپوش (سهامی خاص) مربوط به سال مالی منتهی به ۸٤/۳/۳۱ که راس ساعت ۲ بعدازظهر روز یکشنبه ۱۳۸٤/۷/۲٤ در محل قانونی شرکت واقع در تهران، خیابان جمهوری، خیابان سی تیر، شماره ۵۳ (۲۹سابق) طبقه دوم برگزار خواهد گردید، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ - استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی و حسابرس
۲ - رسیدگی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان
۳ - تعیین روزنامه کثیرالانتشار.
٤ - تعیین بازرس قانونی و علی‌البدل برای سال مالی بعد و میزان حق‌الزحمه
۵ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت داروپوش (سهامی خاص)

آگهی تصمیمات شرکت کارخانجات تولیدی بهمن سهامی عام ثبت شده به شماره ۸۴۱۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸٤/۳/۳۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۸٤/٤/۸ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۳ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی و خدمات مالی فاطر به سمت بازرس اصلی و آقای محمدرضا نادریان به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل: آقایان محمدمهدی حاجی صادقی - سیدمحمدعلی سیدابریشمی - محمد ضرابیه - محمدرضا تابش اکبری - سید محمود حسینی دهشیری به سمت اعضاء اصلی هیئت مدیره و شرکت گردباف - شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران به سمت اعضاء علی البدل هیئت مدیره انتخاب گردیدند.

۳۲/۲۰۷۱۷ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری**

بسمه تعالی

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
استان ایلام

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی استان ایلام در نظر دارد که تعداد ٦ دستگاه مخزن انبار نفت خود را به سیستم اندازه‌گیری TG/LG (حرارت سنج، سطح سنج) از طریق مناقصه عمومی به اجرا گذارد.

لذا از کلیه شرکتهای دارای رتبه‌بندی و صلاحیت دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۸٤/۷/۹ لغایت ۸٤/۷/۱۹ به دفتر خدمات مهندسی این شرکت واقع در بلوار شهید بهشتی جهت اخذ اوراق مناقصه و بازدید از محل، مراجعه و پس از مطالعه و تکمیل مدارک به همراه برگ پیشنهاد قیمت تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۸٤/۸/۱۵ ساعت ۱۵ تحویل امور مالی شرکت نمایند.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.

هزینه نشر آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

هزینه تکثیر اسناد مناقصه به عهده شرکت کنندگان می‌باشد.

تلفن: ۲۲۲۸۰۱۹
فاکس: ۲۲۲۸۰۲۰

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی استان ایلام

برگ اعلام وضعیت به شماره ۵٤۹٦۵۲ مربوط به شش دانگ یک دستگاه اتومبیل وانت کرایه سیستم جیپ مدل ۱۳٤۷ به شماره شهربانی ۱۳۳۵۷ - قم ۷۷ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. **ماکو**

آگهی تغییرات شرکت کالا رسانا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۳۸۸۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۸٤/۲/۲۱ و در اجرای ماده ۱٤۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیارد ریال به مبلغ سیصدوشصت میلیون ریال کاهش و ارزش هر سهم از سهام شرکت نیز از مبلغ ۱/۰۰۰ ریال به مبلغ سیصد و شصت ریال کاهش یافت و لذا سهام شرکت بدون تغییر در تعداد منقسم به یک میلیون سهم سیصد و شصت ریالی خواهد بود و ماده ۷ اساسنامه شرکت به شرح ذیل اصلاح گردید: سرمایه شرکت مبلغ سیصدوشصت میلیون ریال است که به یک میلیون سهم سیصدوشصت ریالی بانام تقسیم و صددرصد مبلغ اسمی هر سهم پرداخت شده است.

۳۲/۲۰٦۹۷ **اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری**

آگهی تصمیمات شرکت شهر صنعتی البرز (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۰۵۹

برابر صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۸٤/٤/۲۵ تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید:

۱- ترازنامه، سود و زیان منتهی به ۸۳/۱۲/۳۰ به تصویب رسید.

۲-سازمان حسابرسی به عنوان بازرس اصلی و آقای سیدحسن علایی به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند.

۳- روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

میرسلیمانی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی مناقصه عمومی

(۱۲۸-۸۴/ ش الف)

معاونت حمل و نقل شهرداری شیراز در نظر دارد نسبت به خرید و نصب و راه اندازی ۱۰ دستگاه سیستم سرعت سنج راداری ثابت جهت نصب در مسیرهای پرسرعت از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا ازکلیه فروشندگان دعوت به عمل می‌آید، جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۸٤/۷/۳ تا ۸٤/۷/۱۸ به امور مالی حوزه معاونت حمل و نقل ترافیک واقع در قدوسی غربی - کوچه ۱۱ مراجعه نمایند.

بدیهی است هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود و شهرداری در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.

روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری شیراز
WWW.shirazcity.org
نوبت اول ۸۴/۷/۵
نوبت دوم ۸۴/۷/۱۱